

دلالت‌های جامعه مخاطره‌آمیز اولریش بک

بر گسترش سرمایه‌گذاری و معاملات رمزارزها در ایران

عبدالحسین کلاتری^۱، معز خادم حسینی^۲، سید سعید حسینی^۳۱- گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: abkalantari@ut.ac.ir۲- گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: mhoseiny@ut.ac.ir۳- نویسنده مسئول*، دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: hoseiniss@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخچه مقاله:</p> <p>دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۲</p> <p>پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۶</p> <p>انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷</p> <p>کلید واژه‌ها:</p> <p>جامعه مخاطره‌آمیز، رمزارز، فردیت‌بایی، جهانی شدن مخاطرات، دولت‌های ملی، انتقال ریسک</p>	<p>هدف پژوهش: این پژوهش با رویکردی جامعه‌شناختی و بر پایه نظریه «جامعه مخاطره‌آمیز» اولریش بک، به بررسی عوامل ساختاری مؤثر بر گرایش روزافزون ایرانیان به بازار رمزارزها می‌پردازد. هدف اصلی مطالعه، شناسایی نحوه تأثیر شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر تصمیم افراد برای ورود به این بازار و تبیین نقش رمزارزها به‌عنوان راهبردی فردی در مواجهه با ریسک‌ها و نااطمینانی‌های ساختاری در جامعه ایران است.</p> <p>روش پژوهش: پژوهش حاضر به روش پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه آنلاین انجام شد. نمونه‌گیری به شیوه تصادفی طبقه‌ای از میان ۱۶۵۰ نفر در ۱۲ استان کشور، بر اساس پراکندگی جمعیتی و سطح مشارکت در بازار رمزارزها، صورت گرفت. داده‌های گردآوری‌شده با بهره‌گیری از آمار توصیفی (شامل جداول توزیع فراوانی، میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (شامل ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.</p> <p>یافته‌ها: بر اساس ضرایب همبستگی پیرسون، روابط معنادار و مستقیمی بین احساس مخاطره اقتصادی، اجتماعی و سیاسی با میزان مشارکت در بازار رمزارزها مشاهده شد. در مدل رگرسیون چندگانه، احساس مخاطره اقتصادی با ضریب بتای ۰/۵۵ به عنوان قوی‌ترین پیش‌بین‌کننده مشارکت در بازار شناسایی شد و پس از آن به ترتیب احساس مخاطره اجتماعی ($\beta=۰/۳۰$) و سیاسی ($\beta=۰/۱۵$) قرار گرفتند. علاوه بر این، نتایج تحلیل مسیر نشان داد که پایگاه اقتصادی-اجتماعی و احساس مخاطره، علاوه بر تأثیر مستقیم بر پیامدهای حضور در این بازار، از طریق تأثیر بر میزان مشارکت، به صورت غیرمستقیم نیز بر پیامدهای مثبت و منفی فعالیت در بازار رمزارزها تأثیر می‌گذارد.</p> <p>نتیجه‌گیری: با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی ایران از جمله نارضایتی شغلی، تورم بالا، تحریم‌های بین‌المللی و بی‌اعتمادی به نهادهای مالی دولتی، رمزارزها به عنوان راهکاری فردی برای مدیریت ریسک‌های ساختاری ظهور کرده‌اند، اما در عمل خود به منبع ایجاد مخاطرات جدید تبدیل شده‌اند. بنابراین، سیاست‌گذاری مؤثر در این حوزه مستلزم توجه همزمان به جنبه‌های مختلفی از جمله تنظیم‌گری شفاف بازار، کاهش نابرابری‌های ساختاری، احیای اعتماد به نهادها و ارتقای سواد مالی است.</p>

استناد: کلاتری، ع. خادم حسینی، م. حسینی، س. س. (۱۴۰۴). دلالت‌های جامعه مخاطره‌آمیز اولریش بک بر گسترش سرمایه‌گذاری و معاملات

رمزارزها در ایران، *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ۱۴(۲)، ۸۳-۶۳

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به نشریه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه تبریز می‌باشد.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY: 4 است.



مقدمه

گرایش فزاینده ایرانیان به سرمایه‌گذاری‌های پرریسک، از جمله رمزارزها، در دهه اخیر به یک روند چشمگیر تبدیل شده است. بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول^۱ (۲۰۲۴)، در کشورهای تحت تحریم نظیر ایران و ونزوئلا، حجم معاملات رمزارزها از سال ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۴ حدود ۳۰۰ درصد رشد داشته است. در سال‌های اخیر، ارزشهای دیجیتال به عنوان یکی از بسترهای نوین سرمایه‌گذاری در ایران مورد استقبال گسترده قرار گرفته و بر اساس آمارهای منتشرشده، ایران در زمره کشورهای پیشرو در مالکیت و معاملات رمزارزهاست. نظرسنجی سایت ارز دیجیتال^۲ (۱۴۰۳) نشان می‌دهد که حدود ۱۳ درصد از ایرانیان رمزارز دارند و گزارش صرافی نوبیتکس^۳ (۲۰۲۳) به عنوان بزرگترین صرافی با حدود ۶ میلیون نفر کاربر در سال ۱۴۰۳، حاکی از درگیری بیش از ۱۲ میلیون نفر به اشکال مختلف با این بازار است. در حالیکه مطابق با آمار مذکور، تعداد ایرانیانی که یک دهه قبل یعنی در سال ۱۳۹۴ در این بازار مشارکت داشتند، کمتر از هزار نفر بوده است. همچنین تعداد صرافی‌های مبادلات رمزارز از تعداد ۳ صرافی در سال ۱۳۹۶ به تعداد حدود ۳۰ صرافی در سال ۱۴۰۴ رسیده است (سایت ارز دیجیتال، ۱۴۰۴). این رشد انفجاری در شرایطی رخ داده که بر اساس داده‌های صندوق بین‌المللی پول (۲۰۲۴) اقتصاد ایران با چالش‌های ساختاری متعددی از جمله نرخ تورم و بیکاری بالا و تحریم‌های بین‌المللی مواجه بوده است.

با این حال، وجود جذابیت‌های بازار رمزارزها، نوسانات شدید قیمتی، ریسک سرقت و هک شدن دارایی و افزایش کلاهبرداری‌های مرتبط، این حوزه را به فضایی پرخطر تبدیل کرده است. بازار رمزارزها به دلیل پویایی بالا و تغییرات مداوم، محیطی پرریسک و ناامن برای سرمایه‌گذاران محسوب می‌شود. طبق گزارش رئیس مرکز امداد و فوریت‌های سایبری پلیس فتا (۱۴۰۳)، کلاهبرداری‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری در این بازار به‌طور چشمگیری افزایش یافته و پرونده‌های متعددی در این زمینه تشکیل شده است. همچنین مطابق با اظهار نظر رئیس کل دادگستری استان تهران (۱۴۰۳)، بخش زیادی از وقت دستگاه قضایی صرف رسیدگی به این پرونده‌ها می‌شود. افزون بر کلاهبرداری، خطرات دیگری همچون محدودیت‌های دولتی علیه رمزارزها، از دست دادن کلید خصوصی کیف پول، سقوط شدید قیمت‌ها، و بلوکه شدن دارایی ایرانی‌ها به دلیل تحریم‌ها، از تهدیدات جدی این بازار هستند. برای نمونه بنابر گزارش سایت اقتصاد آنلاین^۴ (۱۴۰۴)، در خرداد سال ۱۴۰۴ صرافی نوبیتکس هدف حمله سایبری گسترده‌ای قرار گرفت که خسارتی حدود ۹۰ میلیون دلار برجای گذاشت. با در نظر گرفتن این عوامل، می‌توان گفت سرمایه‌گذاری در رمزارزها در زمره پرریسک‌ترین انواع سرمایه‌گذاری است.

با توجه به نظریه «جامعه مخاطره‌آمیز» اولریش بک^۵، این وضعیت بازتابی از مدرنیته متأخر است که در آن افراد به دلیل بی‌اعتمادی به نهادهای دولتی، خود مسئولیت مدیریت ریسک‌ها را بر عهده می‌گیرند. در چنین شرایطی نهادهای مدرن قادر به مدیریت ریسک‌های ساختاری نبوده و افراد را به سمت راه‌حل‌های فردی سوق می‌دهند (بک، ۱۴۰۲). مطالعه حاضر با نگاهی جامعه‌شناختی و تکیه بر نظریه جامعه مخاطره‌آمیز اولریش بک، به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی است که کدامیک از ابعاد جامعه مخاطره‌آمیز، بر گرایش گسترده مردم ایران به رمزارزها نقش داشته‌اند؟

از نظر بک، نگرانی از بلایای طبیعی همچون سیل و زلزله، مربوط به دوره پیشامدرن بود، که در دوره مدرن با امیدواری انسان به علم، تکنولوژی و نهادهای مدرن تا حد زیادی کاهش یافته بود. در حالی که در مدرنیته متأخر، عملکرد همین نهادها و تکنولوژی‌های وابسته به آن خود منشاء مخاطرات انسان‌ساز و نگرانی‌های جدید شده است. هرچند بک در ابتدا به تحلیل مخاطرات زیست‌محیطی و پیامدهای ناخواسته مدرنیته صنعتی، مانند آلودگی، بحران‌های انرژی و بلایای طبیعی توجه داشت (بک، ۱۹۸۶). اما بعدها با همکاری گیدنز و دیگران، این چارچوب را به حوزه‌های گسترده‌تر اقتصادی و فناوری نیز

1. IMF

2. <https://arzdigital.com/>

3. <https://nobitex.ir/>

4. <https://www.eghtesadonline.com/>

5. Ulrich Beck

گسترش داد (بک، گیدنز و لاش^۱، ۱۹۹۴، ص ۸۶). برای نمونه، بک با نقد پارادوکس پیشرفت نشان می‌دهد که دستاوردهای تکنولوژیک مانند بانک‌ها، پول، حسابداری و غیره، خود به منابع جدید مخاطرات مانند رکود و تورم تبدیل می‌شوند. این امر منجر به بی‌اعتمادی روزافزون نسبت به نهادهای مدرن شده است (بک، ۱۹۹۹، ص ۷۳). بر اساس چنین رویکردی و در چارچوب این نظریه، می‌توان ظهور رمزارزها و گسترش استقبال از آن‌ها را به عنوان واکنشی به ناکارآمدی و بی‌اعتمادی نسبت به نهادهای مدرن، مانند بانک‌ها، در نظر گرفت.

انجام تحقیق حاضر از چند جهت حائز اهمیت است: ۱. جنبه نظری: این مطالعه از نخستین پژوهش‌هایی است که رویکرد جامعه‌شناختی را در تحلیل گرایش به رمزارزها در ایران به کار می‌گیرد و به توسعه ادبیات جامعه‌شناسی اقتصادی کمک می‌کند. ۲. جنبه کاربردی: رمزارزها پیامدهای عمیقی مانند تأثیر بر نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، تضعیف نهادهای رسمی و تغییر ارزش‌های کار داشته‌اند. شناخت این پیامدها برای مدیریت اثرات منفی آن‌ها ضروری است. یافته‌های این تحقیق می‌تواند به سیاست‌گذاران در طراحی مقرراتی برای کاهش ریسک‌های مرتبط با رمزارزها و کاهش آسیب‌های آن کمک کند. همچنین با توجه به روند رو به رشد معاملات رمزارزها در ایران، انجام این تحقیق نه تنها یک ضرورت علمی، بلکه یک نیاز اجتماعی است.

ادبیات پژوهش

پیشینه تجربی

مطالعات انجام‌شده در ایران درباره رمزارزها عمدتاً یا توصیفی بوده یا متمرکز بر ابعاد اقتصادی، فقهی و حقوقی بوده و فاقد رویکرد جامعه‌شناختی هستند. برای مثال، شرکت توسعه مدیریت ایلیا^۲ (۱۴۰۰) در نظرسنجی از ۵۶۰۰ نفر نشان داد که ۲۴٪ از ایرانیان مالک رمزارزها هستند و ۶۵٪ از آنان، آینده را متعلق به این ارزها می‌دانند. مطالعات دیگر مانند مطالعه صدرآبادی (۱۳۹۹) و گلشنی (۱۴۰۰) صرفاً به تحلیل فقهی و اقتصادی رمزارزها پرداخته و محققانی نظیر رستمی باروئی (۱۴۰۰) و تیموری (۱۴۰۱) نیز به ترتیب بر سیاست‌گذاری و جایگاه بین‌المللی آن تمرکز کرده‌اند.

در بین مطالعات خارجی انجام شده در حوزه رمزارزها که از چارچوب جامعه‌شناختی موضوع را مورد بررسی قرار داده‌اند می‌توان به تحقیقات زیر اشاره کرد:

فریدمانسکی^۳ (۲۰۲۱) در پژوهشی با رویکرد نظریه‌ی مارکسیستی اقتصاد سیاسی و با استفاده از تحلیل ثانویه داده‌های جهانی بازار رمزارزها و اسناد سازمان‌های مالی بین‌المللی، نشان داد که رمزارزها نه تنها نظام سرمایه‌داری را تضعیف نکرده‌اند بلکه با افزایش سرعت گردش سرمایه، به سیال‌سازی و انباشت سرمایه در دست گروه‌های محدود و در نتیجه، تشدید نابرابری طبقاتی کمک کرده‌اند. جامعه‌ی مورد مطالعه در این تحقیق، کشورهای توسعه‌یافته‌ی عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۴ بوده است که ساختار مالی نهادینه و شفاف دارند.

اوئر^۵ (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای پیمایشی بر روی نمونه‌ای از ۱۲۰۰ سرمایه‌گذار رمزارز در آلمان، سوئیس و هلند، نشان داد که انگیزه‌ی اصلی سرمایه‌گذاران نه بی‌اعتمادی به بانک‌ها، بلکه جست‌وجوی فرصت‌های کوتاه‌مدت سودآور (سفته‌بازی) است. روش او پیمایش ساختاریافته با تحلیل رگرسیون چندمتغیره بود و نتایج نشان دادند که کاربران حرفه‌ای، ریسک‌های بازار را آگاهانه پذیرفته و بر اساس تحلیل داده‌ها تصمیم‌گیری می‌کنند.

همچنین، کینی^۶ (۲۰۲۱) با استفاده از روش کیفی و مصاحبه‌های عمیق با ۴۰ سرمایه‌گذار جوان در ایالات متحده، فرایند چندمرحله‌ای پذیرش رمزارزها را بررسی کرد. جامعه‌ی آماری او شامل نسل‌های Y و Z (متولدین پس از ۱۹۸۰) بود

1. Beck, Giddens & Lash

2. <https://ilia.co/>

3. Fridmanski

4. OECD

5. Auer

6. Kinney

که به فناوری‌های نوین و بازارهای دیجیتال گرایش دارند. نتایج این مطالعه نشان داد که پذیرش رمزارزها برای این گروه‌ها بیشتر بُعد هویتی و نمادین دارد تا صرفاً اقتصادی.

همچنین، هایز^۱ (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای نظری - تحلیلی بر پایه‌ی داده‌های مقایسه‌ای از ایالات متحده، بریتانیا و ژاپن، بلاکچین را نهادی برای تسهیل مبادلات جهانی و تثبیت نظام سرمایه‌داری دیجیتال دانسته است. جامعه‌ی تحلیلی او متشکل از شرکت‌های مالی بین‌المللی و استارت‌آپ‌های فناوری بلاکچین بود که در محیطی با اعتماد نهادی بالا و نظام حقوقی شفاف فعالیت داشتند.

الیود^۲ (۲۰۱۹) با استفاده از نظریه مبادله‌ی هومنز و در قالب یک پیمایش آنلاین میان ۵۵۰ کاربر فعال رمزارز در بریتانیا، انگیزه‌های فردی مانند کسب سود سریع، گریز از کنترل‌های دولتی و حفظ ناشناسی را در گرایش به رمزارزها تحلیل کرد. یافته‌های او نشان داد که در محیطی با ثبات اقتصادی نسبی، عامل اصلی مشارکت در بازار رمزارز نه احساس بی‌اعتمادی، بلکه تمایل به تجربه‌ی آزادی اقتصادی فردی است.

او همچنین در پژوهش دیگری با تکیه بر نظریه ساخت اجتماعی برگر و لاکمن، فرایند پذیرش بیت‌کوین را طی سه مرحله‌ی برون‌فکنی، عینیت‌بخشی و درونی‌سازی بررسی کرد. این تحقیق با رویکرد کیفی و مصاحبه‌های عمیق با ۳۰ کاربر رمزارز در لندن انجام شد و نشان داد که مشروعیت رمزارزها از طریق تجربه‌ی روزمره‌ی کاربران و گفت‌وگوهای مجازی بازتولید می‌شود.

به طور کلی، در پژوهش‌های خارجی صورت گرفته، که عمدتاً در کشورهای توسعه‌یافته انجام شده‌اند، ویژگی‌های جامعه آماری و روش تحقیق نشان می‌دهد که زمینه اجتماعی و نهادی این کشورها با جامعه ایرانی تفاوت بنیادین دارد. با توجه به تفاوت‌های ساختاری میان جوامع مورد مطالعه در تحقیقات فوق و شرایط ایران، می‌توان گفت که اغلب این پژوهش‌ها در بستری با ثبات اقتصادی، نظام مالی شفاف، و اعتماد نهادی بالا انجام شده‌اند، در حالی که جامعه‌ی ایرانی با بی‌ثباتی اقتصادی، تحریم‌های بین‌المللی، محدودیت‌های ارزی و ضعف در اعتماد نهادی مواجه است. بنابراین، توسعه مطالعات جامعه‌شناختی در حوزه رمزارزها، نه تنها ضروری بلکه می‌تواند به فهمی عمیق‌تر از علل اجتماعی، روانی و فرهنگی گرایش ایرانیان به این پدیده بی‌انجامد. به عبارت دیگر در ایران برخلاف جوامع غربی، گرایش به رمزارزها نه صرفاً از سر نوآوری اقتصادی و علاقه به تکنولوژی، بلکه به عنوان پاسخی اجتماعی به احساس بی‌ثباتی، اضطراب اقتصادی و مخاطره‌پذیری اجباری تفسیر می‌شود. از این رو، مطالعه‌ی حاضر با بهره‌گیری از چارچوب جامعه‌شناسی و با تأکید بر متغیرهای اجتماعی و فرهنگی، می‌تواند تصویری بومی و متمایز از علل و پیامدهای حضور چشمگیر ایرانیان در بازار رمزارزها ارائه دهد. علاوه بر این، هیچ‌یک از تحقیقات خارجی از چارچوب نظری اولریش بک برای تحلیل رمزارزها استفاده نکرده‌اند. نوآوری اصلی این پژوهش در بومی‌سازی چارچوب نظری جامعه‌ی مخاطره‌ی اولریش بک در زمینه‌ی رمزارزها در ایران نهفته است. بیشتر تحقیقات پیشین، نظریه اولریش بک را در بررسی جامعه‌شناختی حوزه‌هایی چون محیط‌زیست، بهداشت، یا فناوری‌های صنعتی به کار برده‌اند، اما کمتر مطالعه‌ای به کاربرد این نظریه در اقتصاد دیجیتال و سرمایه‌گذاری رمزارزی در جوامع در حال گذار پرداخته است. در جامعه‌ی ایرانی، «مخاطره» نه تنها از جنس فناوری و بازار، بلکه از جنس بی‌ثباتی اقتصادی، نااطمینانی نهادی، و فرسایش اعتماد اجتماعی است. این پژوهش می‌کوشد نشان دهد که چگونه تجربه‌ی روزمره بی‌اعتمادی و احساس مخاطره اقتصادی، افراد را به سمت اشکال جدیدی از سرمایه‌گذاری دیجیتال سوق می‌دهد؛ شکلی از کنش اقتصادی که در دل خود حامل نوعی بازاندیشی اجتماعی است.

1. Hayes
2. Eliud

مبانی نظری

نظریه جامعه مخاطره‌آمیز اولریش بک یکی از تأثیرگذارترین چارچوب‌های تحلیلی در علوم اجتماعی معاصر است که به بررسی پیامدهای ناخواسته مدرنیزاسیون و تحولات جوامع صنعتی می‌پردازد. بک در این نظریه، مخاطره را به عنوان پیامد مستقیم تصمیمات و انتخاب‌های انسانی و عملکرد نهادهای مدرن معرفی می‌کند و آن را از خطرات پیشاصنعتی که ناشی از عوامل طبیعی یا ماورایی بودند، متمایز می‌سازد (بک، ۱۹۸۶). وی با تأکید بر سه دوره تاریخی؛ جوامع پیشامدرن، جوامع مدرن اولیه و مدرنیته متأخر، نشان می‌دهد که مخاطرات در عصر حاضر ماهیتی جهانی و غیرقابل کنترل دارند و قادرند تمامی اشکال حیات روی زمین را تهدید کنند (بک، ۱۳۸۸).

وی در اثر کلیدی خود تحت عنوان "جامعه ریسک: به سوی مدرنیته‌ای نوین" در سال ۱۹۹۴ استدلال می‌کند که جوامع مدرن امروزی از نوعی مخاطرات ساختگی رنج می‌برند که سه ویژگی بنیادین دارند: ۱- منشأ انسانی (برخلاف بلایای طبیعی پیشامدرن)، ۲- محاسبه ناپذیری (عدم امکان پیش‌بینی دقیق پیامدها) و ۳- جهانی بودن یا فراتر رفتن مخاطرات از مرزهای ملی (بک، ۱۹۹۴: ۲۱).

بک مخاطرات مدرن را محصول فرایندها و نهادهای مدرنیته و تکنولوژی می‌داند که به صورت عوارض جانبی ناخواسته ظهور می‌یابند. این مخاطرات نه تنها محدود به مرزهای جغرافیایی نیستند، بلکه مسئولیت آن‌ها نیز به صورت جمعی و غیرشفاف است. این امر منجر به ظهور "جامعه مخاطره‌آمیز" می‌شود که در آن تلاش برای دوری از خطر و رسیدن به احساس امنیت، به مهمترین مسأله انسان‌ها تبدیل شده است (بک، ۲۰۰۸).

یکی از مفاهیم محوری در نظریه بک، "مدرنیزاسیون بازاندیشانه"^۱ است که به همراه گیدنز مطرح شد. این مفهوم به مواجهه مدرنیته با پیامدهای ناخواسته خود اشاره دارد، جایی که پیشرفت صنعتی به جای حل مشکلات، بحران‌های جدیدی ایجاد می‌کند و افراد ناگزیرند سبک زندگی خود را به طور دائم بر اساس ریسک‌های جدید بازتعریف کنند. در این وضعیت افراد بر اتخاذ خرده سیاست‌ها و انتخاب‌های پرریسک و بدون پشتوانه نهادی تکیه می‌کنند که همزمان هیچگونه یقین و قطعیتی در نتایج آن‌ها وجود ندارد (بک، گیدنز و لث، ۱۹۹۴).

ویژگی دیگر جامعه مخاطره‌آمیز از نظر بک، "فردیت‌یابی"^۲ است در آن افراد از ساختارهای سنتی مانند خانواده، طبقه، و نقش‌های جنسیتی رها می‌شوند و مجبور به اتخاذ تصمیمات فردی در شرایط عدم قطعیت هستند. این فرایند اگرچه آزادی‌های بیشتری را برای افراد فراهم می‌کند، اما آن‌ها را در معرض مخاطراتی قرار می‌دهد که پیش‌از این توسط نهادهای اجتماعی مدیریت می‌شد (بک و گرنشایم، ۲۰۰۲). بک این وضعیت را "فردی‌سازی نهادینه شده" می‌نامد، جایی که نهادهای مدرن مانند بازار کار و سیستم آموزشی، افراد را به سمت مسئولیت‌پذیری فردی سوق می‌دهند (بک، ۲۰۰۷). به زعم بک، نهادهای مدرن (نظیر دولت، بازار، علم) ناکارآمدی ذاتی در مدیریت مخاطرات نشان می‌دهند که منجر به بی‌اعتمادی و کاهش مشروعیت این نهادها و در نتیجه فردی‌سازی ریسک می‌گردد. به عبارت دیگر مسئولیت مهار مخاطرات از نهادها به دوش افراد منتقل می‌شود، درحالی که منابع نهادی برای حمایت از آنان وجود ندارد (بک، ۲۰۱۳).

بنابراین، در جامعه جدید افراد با تشدید مسئولیت‌پذیری فردی ناچارند خود در حوزه‌های مختلف مثل سلامت، شغل و امنیت تصمیم بگیرند. تصمیماتی که مملو از احساس مخاطره و اضطراب است چرا که با عدم قطعیت عواقب همراه است (بک و گرنشایم، ۲۰۰۲: ۲۰۳). در مدرنیته متأخر مسأله اساسی از نظر بک نه رفع نیازهای اساسی و غلبه بر گرسنگی بلکه دوری از خطر و انتقال آن است که در این تلاش طبقات فرودست بیشتر در معرض مخاطرات قرار می‌گیرند، مثل تبعات تورم (بک و ویلمز، ۲۰۰۴: ۱۲۱).

در مجموع، نظریه جامعه مخاطره‌آمیز بک چارچوبی جامع برای درک تحولات اجتماعی عصر حاضر ارائه می‌دهد. این نظریه نشان می‌دهد که چگونه مدرنیته متأخر با تولید مخاطراتی جدید، بنیان‌های جامعه مدرن را زیر سؤال برده و ضرورت

1. Reflexive Modernity
2. individualization
3. Beck & Gernsheim

بازاندیشی در مفاهیمی مانند دولت، علم و امنیت را مطرح می‌کند (بک، گیدنز و لش، ۱۴۰۲). این چارچوب تحلیلی نه تنها در مطالعات اجتماعی، بلکه در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، و زیست‌محیطی نیز کاربرد گسترده‌ای یافته است.

ظهور و گسترش رمزارزها، به‌ویژه در اقتصاد ایران، را می‌توان در چارچوب نظریه جامعه مخاطره‌آمیز اولریش بک تحلیل کرد. بک در این نظریه به بررسی پیامدهای ناخواسته مدرنیزاسیون و تحولات جوامع صنعتی می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه مخاطرات جهانی، نهادهای سنتی را با بحران مشروعیت مواجه کرده و فضایی برای ظهور خرده سیاست‌ها^۱ و راه‌حل‌های غیرمتمرکز فراهم می‌کنند (بک، ۱۹۹۲). در این راستا، بحران مالی ۲۰۰۸ به عنوان نقطه اوجی در بی‌اعتمادی به سیستم بانکی متمرکز و سیاست‌های پولی دولتی، زمینه را برای ظهور اولین رمزارز (بیت‌کوین) به‌عنوان پاسخی غیرمتمرکز به این بحران فراهم کرد (ناکاماتو^۲، ۲۰۰۸). این تحول همسو با نظریه فردیت‌یابی بک است که بر جست‌وجوی راه‌حل‌های خارج از چارچوب نهادهای سنتی در عصر جهانی‌شدن تأکید دارد (بک، ۲۰۰۸).

در ایران، تحریم‌های بین‌المللی و ناکارآمدی نظام بانکی سنتی، رمزارزها را به ابزاری حیاتی برای دور زدن محدودیت‌های مالی تبدیل کرده است. مطابق با استدلال بک، جهانی‌شدن مخاطرات، توانایی دولت‌ملت‌ها را در مدیریت چالش‌های مالی تضعیف کرده و فضایی برای خرده‌سیاست‌های مالی غیرمتمرکز ایجاد کرده است (بک، ۲۰۰۹). از این منظر تحریم‌های علیه ایران که اقتصاد ملی و شهروندان عادی را تحت تأثیر قرار داده، می‌تواند یکی از عواملی باشد که منجر به گسترش استفاده از رمزارزها برای تسهیل پرداخت‌های بین‌المللی شده است. این پدیده نشان‌دهنده گذار از حکمرانی مالی عمودی (دولت‌محور) به حکمرانی افقی (شبکه‌ای) است که در آن فناوری‌های غیرمتمرکز مانند بلاکچین نقش کلیدی ایفا می‌کنند (زوباف^۳، ۲۰۱۹).

از منظر نظریه جامعه مخاطره‌آمیز، ظهور مشاغلی مانند سفته‌بازی (ترید) بازتاب تحولات ساختار اشتغال در عصر حاضر است. بک به «بی‌کاری سیال»^۴ اشاره می‌کند که در آن مرزهای اشتغال و بی‌کاری نامشخص شده و مشاغلی غیررسمی مانند ترید که فاقد قراردادهای رسمی، بیمه اجتماعی، و درآمد پایدار هستند گسترش می‌یابند. این تحولات با مالی‌سازی اقتصاد و تبدیل سرمایه‌داری صنعتی به سرمایه‌داری قمارگونه همراه است، جایی که سوداگری مالی جایگزین تولید به‌عنوان مکانیسم اصلی انباشت سرمایه شده است (بک، ۱۴۰۰). داده‌ها نشان می‌دهند که تعداد معامله‌گران خرد در بازار رمزارزها بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ رشد ۳۰۰ درصدی داشته است (چین آنالیزیس^۵، ۲۰۲۵).

رسانه‌ها نیز در چارچوب نظریه بک، نقش محوری در برساخت اجتماعی مخاطرات مالی ایفا می‌کنند. الگوریتم‌های رسانه‌ای با تقویت محتوای احساسی، نوسانات بازار رمزارزها را به «موقعیت‌های حیاتی» تبدیل کرده و مسئولیت مدیریت ریسک را به‌صورت نامتناسبی بر دوش افراد می‌گذارند (زوباف، ۲۰۱۹). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که بخش عمده‌ای از محتوای مرتبط با رمزارزها در شبکه‌های اجتماعی، ترکیبی از وعده‌های ثروت سریع و هشدارهای فوری درباره ریزش قیمت‌ها است (خدیور و همکاران، ۱۴۰۱). این فرایند منجر به عادی‌سازی ریسک‌های افراطی و شخصی‌سازی مسئولیت‌ها شده است، به‌طوری که شکست‌های ساختاری به نقص‌های فردی نسبت داده می‌شوند.

فردیت‌یابی در جامعه مخاطره‌آمیز نیز در حوزه رمزارزها مشهود است. معامله‌گران و سرمایه‌گذاران مجبورند استراتژی‌های تحلیلی و مدیریت ریسک خود را شخصاً طراحی کنند و با پیامدهای تصمیمات خود روبرو شوند. این وضعیت بازتاب نظریه بک درباره آزادی عمل بی‌سابقه و بار مسئولیت سنگین مخاطرات در عصر حاضر است (بک، ۲۰۰۷). برای

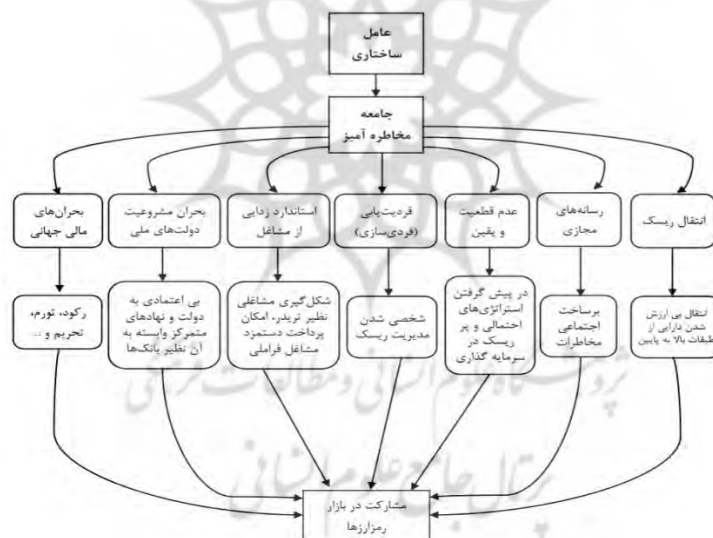
1. Micropolitics
2. Nakamoto
3. Zuboff
4. Precarious Unemployment
5. <https://www.chainalysis.com>

مثال، در صورت وقوع کلاهبرداری یا سقوط قیمت، هیچ نهاد متمرکزی از سرمایه‌گذاران حمایت نمی‌کند و مسئولیت کامل بر عهده فرد است.

نظریه انتقال ریسک بک نیز در بازار رمزارزها مصداق دارد. بر اساس گزارش دفتر ملی پژوهش‌های اقتصادی^۱ (۲۰۲۲). بازیگران بزرگ بازار (نهنگ‌ها) که عمدتاً در کشورهای توسعه‌یافته مستقر هستند، با استفاده از تکنیک‌هایی مانند دستکاری قیمت، ریسک‌ها را به معامله‌گران خرد در کشورهای در حال توسعه منتقل می‌کنند. نمونه بارز این پدیده، سقوط ۷۰ درصدی ارزش لونا در سال ۲۰۲۲ بود که منجر به از دست رفتن ۴۰ میلیارد دلار از دارایی‌های سرمایه‌گذاران خرد شد. این امر نشان‌دهنده توزیع نامتوازن مخاطرات در نظام مالی جهانی شده است.

در نهایت، بک استدلال می‌کند که عدم قطعیت به ویژگی عادی زندگی در جامعه مخاطره‌آمیز تبدیل شده است (بک، ۱۴۰۲). بازار رمزارزها با نوسانات شدید قیمتی (۲۰-۳۰ درصد در روز)، این شرایط را به حد اعلا می‌رساند. در ایران، جایی که تورم و نابرابری اقتصادی بستر مناسبی برای جذب سرمایه‌گذاران خرد به بازار رمزارزها فراهم کرده، نوسانات قیمتی به‌عنوان بخشی طبیعی از زندگی اقتصادی عادی‌سازی شده‌اند.

در مجموع، چارچوب نظری جامعه مخاطره‌آمیز اولریش بک ابزار تحلیلی قدرتمندی برای درک گسترش معاملات رمزارزها در ایران ارائه می‌دهد. این نظریه نشان می‌دهد که چگونه مخاطرات جهانی، نهادهای سنتی را تضعیف کرده، فضایی برای راه‌حل‌های غیرمتمرکز فراهم می‌کنند، و چگونه فردیت‌یابی و رسانه‌ها در شکل‌دهی به این فرایند نقش کلیدی ایفا می‌کنند. با توجه به چارچوب نظری مطرح شده مدل تحلیلی تحقیق را می‌توان در قالب شکل ۱ نشان داد:



شکل ۱: مدل تحلیلی تحقیق

روش‌شناسی

روش انجام این پژوهش پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته انجام شده است. با توجه به جمعیت و پراکندگی بالای جامعه آماری (حدود ۱۲ میلیون نفر)، در این تحقیق از پرسشنامه آنلاین استفاده شده است که با استفاده از برنامه گوگل داکس طراحی و و لینک آن به همراه اطلاعیه تکمیلی در ۲۶ گروه پر طرفدار اینستاگرام، تلگرام و یوتیوب مرتبط با رمزارزها قرار گرفت. این فرایند به مدت دو ماه به طول انجامید. به این صورت که از افرادی که عضو صفحات مجازی مختلف با موضوع رمزارز بودند یا در بحث‌های گروه‌های مجازی (در گروه‌های تلگرام، یوتیوب، اینستاگرام) شرکت می‌کردند، درخواست شد تا چنانچه در معاملات و سرمایه‌گذاری در رمزارزها فعالیت دارند، در پیمایش آنلاین شرکت نمایند. پس از دو

۴/۱	۶۸	کهکیلویه و بویراحمد
۱۰۰	۱۶۵۰	کل

اندازه‌گیری متغیرهای مستقل و وابسته

متغیرهای مستقل: جامعه مخاطره‌آمیز، پایگاه اقتصادی، اجتماعی

برای سنجش متغیر جامعه مخاطره‌آمیز، به بررسی میزان احساس مخاطره در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در افراد مطابق با شاخص‌های مندرج در جدول ۲ پرداخته شد. بدیهی است که مخاطرات ابعاد بسیار گسترده‌ای دارند؛ از جمله زیست‌محیطی، فناوریانه، پاندمی‌ها، جنگ و بحران‌های ژئوپلیتیک. با این حال، این پژوهش با توجه به هدف خود، یعنی بررسی علل افزایش چشمگیر مشارکت ایرانیان در بازار رمزارزها، صرفاً بر ابعادی متمرکز شده که با این بازار در ارتباط هستند، یعنی مخاطرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی. به بیان دیگر، انتخاب این سه بُعد نه به معنای نادیده گرفتن سایر مخاطرات، بلکه به منظور تمرکز بر عوامل مرتبط با پدیده مورد مطالعه بوده است.

جدول شماره ۲: ابعاد و شاخص‌های سنجش جامعه مخاطره‌آمیز

مفهوم	بعد	شاخص‌ها
مخاطره اقتصادی	احساس	میزان اطمینان از ثبات شغلی
		میزان رضایت از حقوق و مزایای شغلی
		میزان اعتماد به بهبود وضعیت اقتصادی کشور
		میزان نارضایتی از تبعیض و نابرابری اقتصادی در کشور
جامعه مخاطره‌آمیز	احساس مخاطره اجتماعی	میزان نارضایتی از تورم و کاهش ارزش پول ملی
		میزان دریافت حمایت اجتماعی در برابر مشکلات
		میزان فشار نقش‌های اجتماعی
مخاطره سیاسی	احساس	میزان نگرانی برای آینده خود و خانواده
		میزان تأثیرپذیری از تبلیغات و اخبار فضای مجازی
		میزان اعتقاد به کارایی و کارآمدی نظام سیاسی کشور
		میزان اعتماد به آینده نظام جمهوری اسلامی ایران
		میزان امیدواری به رفع تحریم‌ها
		میزان اطمینان از ثبات سیاسی در کشور
		میزان نگرانی از شدت نظارت دولت بر امور مالی و اقتصادی

برای سنجش متغیر جامعه پایگاه اقتصادی-اجتماعی، از شاخص‌های مندرج در جدول ۳ استفاده شده است؛

جدول شماره ۳: شاخص‌های سنجش پایگاه اقتصادی اجتماعی

متغیر وابسته	گویه‌ها
پایگاه اقتصادی اجتماعی	میزان تحصیلات فرد، والدین و همسر
	منزلت شغلی فرد، شغل والدین، شغل همسر
	میزان درآمد ماهیانه خود، والدین و همسر
	مالکیت مسکن، نوع مسکن، منطقه محل سکونت
	مالکیت اتومبیل، نوع اتومبیل، تعداد اتومبیل خود و اعضای خانواده
	تعداد سفرهای سالیانه، مقصد سفرها، طبقه بندی وضعیت اقتصادی خود بر اساس خوداظهاری

متغیرهای وابسته: میزان مشارکت در بازار رمزارزها، پیامدهای مشارکت در بازار رمزارزها

میزان مشارکت در بازار رمزارزها از طریق شاخص‌های جدول ۴ اندازه‌گیری شده است؛

جدول شماره ۴: شاخص‌های سنجش میزان مشارکت در بازار رمزارزها

متغیر وابسته	گویه‌ها
میزان مشارکت در بازار رمزارزها	مقدار سرمایه واردشده به رمزارزها نسبت به کل سرمایه
	مقدار پول سرمایه‌گذاری شده
میزان مشارکت در بازار رمزارزها	میزان رشد قیمت‌ها و اخبار
	تعداد دفعات معاملات به صورت روزانه، هفتگی و ماهیانه
	میزان استفاده از امکانات صرافی‌های داخلی و خارجی نظیر بازار فیوچرز و معاملات اهرم‌دار
	میزان فعالیت مرتبط با رمزارزها در شبکه‌های مجازی
	میزان تشویق و کمک به دیگران برای ورود به بازار رمزارزها

منظور از پیامدهای مشارکت در بازار رمزارزها، نتایج حاصل شده از سرمایه‌گذاری و معاملات افراد در این بازار است که به دو قسمت پیامدهای مثبت و پیامدهای منفی تقسیم شد و برای سنجش آن‌ها از شاخص‌های مندرج در جدول ۵ استفاده گردید؛ پیامدها در این تحقیق نه صرفاً به‌عنوان «نتیجه» بلکه به‌عنوان «متغیرهای وابسته ثانویه» تعریف شده‌اند. به عبارت دیگر، ما دو دسته متغیر وابسته داشته‌ایم: یکی میزان مشارکت در بازار رمزارزها و دیگری پیامدهای آن. پیامدها بر اساس ادبیات پژوهش و تجربه‌های گزارش‌شده کاربران در بازار رمزارزها به دو دسته مثبت و منفی تقسیم شدند. برای مثال، افزایش سرمایه و بهبود رفاه به‌عنوان پیامد مثبت، و استرس یا زیان مالی به‌عنوان پیامد منفی شناخته شدند. این شاخص‌ها به‌صورت مقیاس‌گذاری شده در پرسشنامه لحاظ شدند و با استفاده از روش‌های آماری (کرونباخ آلفا، تحلیل همبستگی) اعتبارسنجی گردیدند. بنابراین پیامدها در اینجا به‌عنوان «متغیرهای قابل سنجش» عمل کرده و بخشی از مدل تحلیلی تحقیق بوده‌اند.

جدول شماره ۵: شاخص‌های سنجش پیامدهای مشارکت در بازار رمزارزها

پیامدها	شاخص‌ها
پیامدهای مثبت	افزایش میزان سرمایه
	افزایش میزان رفاه
	کاهش نارضایتی شغلی و تبعات بیکاری
	تهیه کالاها و امکانات مورد نیاز
	بهبود تصمیم‌گیری‌های مالی و مدیریت ریسک
پیامدهای منفی	افزایش روابط اجتماعی و شبکه دوستان
	افزایش مدیریت احساسات
	افزایش اعتماد به نفس
	میزان ضرر و زیان مالی
	قربانی کلاهبرداری
	از دست دادن سرمایه ضروری و مورد نیاز زندگی
	استرس، اضطراب، بی‌خوابی
پشیمانی، افسردگی و ناامیدی	
	رفتارهای اعتیادگونه (مثل چک کردن مداوم قیمت‌ها و معاملات بیش از حد)
	کاهش تمرکز روی شغل اصلی یا تحصیل

لازم به ذکر است که شاخص‌ها و گویه‌های مربوط به سنجش متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش، پس از اعمال تغییرات لازم برای کسب روایی صوری (با نظرسنجی از متخصصان رمزارزها و اساتید اقتصاد، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی) و همچنین تأمین روایی همگرا (از طریق بررسی میزان همبستگی گویه‌ها با آزمون‌های مشابه موجود)، در پرسشنامه گنجانده شد. پایایی ابزار اندازه‌گیری نیز با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفت.

در مرحله اجرا، پرسشنامه به‌صورت آنلاین و از طریق شبکه‌های اجتماعی توزیع شد و داده‌های جمع‌آوری شده با نرم‌افزار "SPSS"، تحلیل گردید. در بخش تحلیل توصیفی، شاخص‌هایی مانند فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار ارائه شد و در بخش تحلیل استنباطی، از روش‌هایی همچون ضریب همبستگی، رگرسیون و تحلیل مسیر استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های توصیفی پژوهش، ۷۸ درصد از شرکت‌کنندگان مرد بودند و محدوده سنی آنها بین ۱۸ تا ۶۱ سال با میانگین ۳۶ سال و انحراف معیار ۵ سال قرار داشت. بیشترین گروه سنی (حدود ۴۰ درصد) در بازه ۳۱ تا ۴۰ سال بودند و ۶۴ درصد از افراد متأهل بودند. از نظر تحصیلات، ۳۹ درصد دارای مدرک لیسانس، ۳۶ درصد فوق لیسانس و ۱۴ درصد دکتری بودند. همچنین، ۲۱ درصد شغل آزاد، ۱۸ درصد کارمند و ۱۷ درصد دانشجو بودند. از نظر پایگاه اقتصادی-اجتماعی، ۴۸ درصد در طبقه متوسط، ۳۶ درصد در طبقه بالا و ۱۶ درصد در طبقه پایین قرار داشتند.

در زمینه سرمایه‌گذاری در رمزارزها، ۳۲ درصد از افراد بین ۲ تا ۳ سال سابقه فعالیت داشتند و از نظر میزان سرمایه‌گذاری، ۳۲ درصد بین ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون تومان، ۲۱ درصد کمتر از ۵۰ میلیون تومان، ۱۸ درصد بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیون تومان، ۱۰ درصد بین ۵۰۰ میلیون تا ۱ میلیارد تومان و ۵ درصد بیش از ۱ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری کرده بودند.

در ارزیابی مخاطرات، ۵۶ درصد از شرکت‌کنندگان، احساس مخاطره اقتصادی زیاد، ۳۸ درصد احساس مخاطره اجتماعی متوسط و ۳۷ درصد احساس مخاطره سیاسی زیاد داشتند. میزان کل احساس مخاطره نیز در بیشتر افراد مورد بررسی یعنی حدود ۴۳ درصد آن‌ها در حد بالا بوده است. همچنین، ۵۸ درصد از افراد پیامدهای مثبت مشارکت در بازار رمزارزها را کم ارزیابی کردند، درحالی‌که ۴۷ درصد پیامدهای منفی آن را زیاد دانستند.

در بخش آمارهای استنباطی پس از بررسی پیش‌فرض‌های لازم برای به‌کارگیری آمار پارامتریک یا ناپارامتریک، نرمال بودن توزیع داده‌ها و ... به محاسبه ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و وابسته پرداخته شد که نتایج آن در جدول ۶ آمده است؛

جدول شماره ۶: ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

متغیرها	احساس مخاطره اقتصادی	احساس مخاطره اجتماعی	احساس مخاطره سیاسی	کل احساس مخاطره	پایگاه اقتصادی-اجتماعی	میزان مشارکت در بازار رمزارزها	میزان پیامدهای مثبت
احساس مخاطره اقتصادی	۱						
احساس مخاطره اجتماعی	۰/۲۷**	۱					
احساس مخاطره سیاسی	۰/۲۱**	۰/۳۰**	۱				
کل احساس مخاطره	۰/۴۴**	۰/۲۸**	۰/۳۶**	۱			
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	-۰/۳۵**	-۰/۱۷*	۰/۰۶	-۰/۱۹**	۱		
میزان مشارکت در بازار رمزارزها	۰/۴۴**	۰/۳۲**	۰/۱۱*	۰/۲۹**	-۰/۲۲	۱	
میزان پیامدهای مثبت	-۰/۳۱**	-۰/۲۲**	-۰/۱۴*	-۰/۲۲**	۰/۱۷*	-۰/۳۰**	۱

۱	۰/۹۳**	۰/۵۱**	۰/۱۶*	۰/۱۹**	۰/۱۱*	۰/۱۷**	۰/۲۸**	میزان پیامدهای منفی
*p<۰/۰۵ و **p<۰/۰۱ n=۱۶۵۰								

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۶ مشاهده می‌شود که ضریب همبستگی پیرسون رابطه مثبت و معنی‌دار به اندازه حدوداً ۰/۲۹ بین کل احساس مخاطره و میزان مشارکت در بازار رمزارزها نشان می‌دهد ($r = ۰/۲۹$, $n = ۱۶۵۰$, $P < ۰/۰۱$). با توجه به رابطه بدست آمده، می‌توان گفت که هر چه میزان کل احساس مخاطره در افراد بالاتر باشد، میزان مشارکت آن‌ها نیز در بازار رمزارزها بیشتر خواهد بود. همچنین بر اساس روابط همبستگی پیرسون مشاهده گردید که روابط مثبت و معنی‌داری بین میزان احساس مخاطره اقتصادی و میزان مشارکت در بازار رمزارزها ($r = ۰/۴۴$)، بین میزان احساس مخاطره اجتماعی و میزان مشارکت در بازار رمزارزها ($r = ۰/۳۲$) و بین میزان احساس مخاطره سیاسی و میزان مشارکت در بازار رمزارزها ($r = ۰/۱۱$) وجود دارد که می‌توان گفت، سطوح مختلف احساس مخاطره (اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) همگی با افزایش میزان مشارکت در بازار رمزارزها همراه هستند، اگرچه شدت این روابط متفاوت است.

با توجه به روابط همبستگی پیرسون، بین کل احساس مخاطره و پیامدهای مثبت و منفی مشارکت در بازار رمزارزها نیز روابط معنی‌داری وجود دارد. تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که بین کل احساس مخاطره با پیامدهای مثبت، رابطه منفی و معنی‌دار ($r = -۰/۳۱$) و با پیامدهای منفی رابطه مثبت و معنی‌دار ($r = ۰/۲۸$) وجود دارد که نشان می‌دهد هر چه میزان کل احساس مخاطره در افراد بالاتر باشد، پیامدهای مثبت مشارکت در بازار رمزارزها برای آن‌ها کمتر و هر چه احساس مخاطره کمتر باشد پیامدهای منفی این مشارکت کمتر است.

علاوه بر این، پایگاه اقتصادی اجتماعی نیز روابط معنی‌داری با احساس مخاطره اقتصادی و اجتماعی و پیامدهای مثبت و منفی حضور در بازار رمزارزها دارد. بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد و کل احساس مخاطره رابطه منفی ($r = -۰/۱۹$) وجود دارد که نشان دهنده کاهش احساس مخاطره با بالا رفتن پایگاه اقتصادی-اجتماعی است. پایگاه اقتصادی-اجتماعی با احساس مخاطره اقتصادی رابطه‌ای منفی و معنی‌دار ($r = -۰/۳۵$) و با احساس مخاطره اجتماعی نیز رابطه منفی و معنی‌دار به اندازه ($r = -۰/۱۷$) وجود دارد. که هر دو رابطه نشان می‌دهد با بالا رفتن پایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد میزان احساس مخاطره اقتصادی و اجتماعی آنان کاهش می‌یابد. اما همانطور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی با میزان احساس مخاطره سیاسی معنی‌دار نبوده است ($r = ۰/۰۶$, $n = ۱۶۵۰$, $P > ۰/۰۵$).

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که پایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد با میزان مشارکت آن‌ها در بازار رمزارزها رابطه معناداری دارد. بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی با میزان مشارکت در بازار رمزارزها رابطه منفی وجود دارد ($r = -۰/۲۲$). که نشان می‌دهد در ایران هر چه پایگاه اقتصادی اجتماعی افراد بالاتر باشد میزان مشارکت آن‌ها در بازار رمزارزها کمتر است. با توجه به اینکه منظور از میزان مشارکت در بازار رمزارزها در این پژوهش شاخص‌هایی چون؛ نسبت سرمایه فرد در بازار رمزارزها نسبت به کل سرمایه زندگی، تعداد دفعات و مدت زمان رصد قیمت‌ها در شبانه روز، تعداد معاملات روزانه، استفاده از امکانات مختلف صرافی‌های داخلی و خارجی، تشویق دیگران به ورود به بازار رمزارزها، عضویت در شبکه‌ها و گروه‌های رمزارزی و میزان رصد اخبار و وقایع پیرامون رمزارزها بوده است، منطقی است که هر چه پایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد بالاتر باشد، به دلیل داشتن امکان سرمایه‌گذاری در حوزه‌های دیگری نظیر زمین، خودرو، ساختمان و ... انگیزه و فرصت کمتری برای حضور در بازار رمزارزها داشته باشند.

از سوی دیگر، افراد با پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالاتر، پیامدهای مثبت بیشتر ($r = ۰/۱۷$) و پیامدهای منفی کمتری ($r = -۰/۱۶$) در این بازار مواجه می‌شوند. از سرمایه‌گذاری در رمزارزها تجربه می‌کنند. سرانجام اینکه با توجه به نتایج پژوهش رابطه معنی‌داری بین میزان مشارکت در بازار رمزارزها با میزان پیامدهای مثبت ($r = -۰/۳۰$) و میزان پیامدهای منفی ($r = ۰/۵۱$) حضور در این بازار وجود دارد. به طوریکه هر چه میزان مشارکت در بازار رمزارزها کمتر بوده، میزان پیامدهای مثبت آن بیشتر و هر چه میزان مشارکت بیشتر بوده، پیامدهای منفی مشارکت در این بازار بیشتر بوده است.

در ادامه برای پیش‌بینی میزان مشارکت در بازار رمزارزها بر اساس ابعاد مختلف احساس مخاطره و همچنین مقایسه میزان تأثیر هر یک از ابعاد احساس مخاطره (مخاطرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) بر میزان مشارکت در بازار رمزارزها از رگرسیون چندگانه همزمان استفاده شده است.

جدول شماره ۷: نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه همزمان

منبع واریانس	مجموع مجذورها	درجه آزادی	میانگین مجذورها	مقدار F	سطح معنی‌داری	R	R2	Adjusted R2
رگرسیون	۱۶۸۹۹/۸۴	۳	۵۶۳۳/۲۸					
باقیمانده	۱۸۷۰۸/۸۴	۱۶۴۴	۱۱/۳۷	۵۱۳/۰۷	۰/۰۰۰۱	۰/۶۹	۰/۴۸	۰/۴۷
جمع کل	۳۵۶۰۸/۶۸	۱۶۴۹						

متغیرهای پیش‌بین: احساس مخاطره اقتصادی، سیاسی، اجتماعی
متغیر ملاک: میزان مشارکت در بازار رمزارزها

نتایج ارائه شده در جدول ۷ نشان می‌دهد که مدل رگرسیون ایجاد شده از لحاظ آماری معنی‌دار است ($F(3, 1644) = 513.07, p = 0.0001$). با توجه به مقدار R2 تعدیل شده، سه متغیر احساس مخاطره اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مجموعاً حدود ۴۷ درصد از واریانس نمرات میزان مشارکت در بازار رمزارزها را تبیین می‌کنند. به منظور شناسایی و مقایسه شدت و جهت تأثیر هر یک از ابعاد احساس مخاطره، بر میزان مشارکت در بازار رمزارزها ضرایب بتا نیز محاسبه شده که نتیجه این بررسی در جدول ۸ آورده شده است:

جدول شماره ۸: ضرایب بتا به منظور شناسایی شدت و جهت تأثیر هر یک از مؤلفه‌های احساس مخاطره، بر میزان مشارکت در بازار رمزارزها

متغیرها	B	خطای استاندارد	Beta	t	سطح معنی‌داری
مقدار ثابت	۱۰/۲۰	۱/۱۵	-	۸/۸۷	۰/۰۰۰۱
احساس مخاطره اقتصادی	۰/۷۸	۰/۰۴	۰/۵۵	۱۹/۵۰	۰/۰۰۰۱
احساس مخاطره اجتماعی	۰/۳۵	۰/۰۳	۰/۳۰	۱۱/۶۷	۰/۰۰۰۱
احساس مخاطره سیاسی	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۵	۶/۰۹	۰/۰۰۰۱

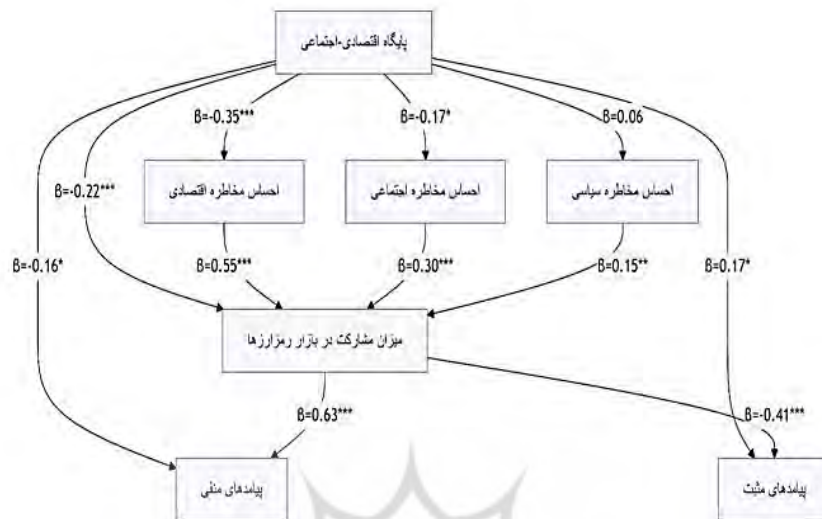
متغیرهای پیش‌بین: احساس مخاطره اقتصادی، سیاسی، اجتماعی
متغیر ملاک: میزان مشارکت در بازار رمزارزها

نتایج تحلیل رگرسیون در جدول ۸ نشان می‌دهد که هر سه بعد احساس مخاطره (اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) تأثیر مثبت و معناداری بر میزان مشارکت در بازار رمزارزها دارند ($P < 0.01$). با این حال، شدت این تأثیرات متفاوت است. به طوری که احساس مخاطره اقتصادی با ضریب استاندارد شده ۰/۵۵ قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده مشارکت محسوب می‌شود. پس از آن، احساس مخاطره اجتماعی با ضریب ۰/۳۰ و در نهایت احساس مخاطره سیاسی با ضریب ۰/۱۵ قرار دارند. این یافته‌ها حاکی از آن است که اگرچه سرمایه‌گذاران رمزارزها تحت تأثیر تمامی ابعاد مخاطره قرار می‌گیرند، اما وزن تصمیم‌گیری‌های آنها بیشتر متأثر از ملاحظات اقتصادی است تا عوامل اجتماعی و سیاسی. براین اساس، معادله رگرسیون بر اساس ضرایب استاندارد شده را می‌توان به شرح زیر نوشت:

= میزان مشارکت در بازار رمزارزها بر اساس ابعاد جامعه مخاطره‌آمیز

$$(مخاطرات سیاسی) 0/15 + (احساس مخاطره اجتماعی) 0/30 + (احساس مخاطره اقتصادی) 0/55$$

برای شناسایی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم پایگاه اقتصادی-اجتماعی بر ابعاد مختلف احساس مخاطره، میزان مشارکت افراد در بازار رمزارزها و پیامدهای مثبت و منفی آن از تحلیل مسیر استفاده شده است که نتایج آن در نمودار زیر آمده است:



شکل شماره ۲: مدل تحلیل مسیر تأثیر پایگاه اقتصادی اجتماعی بر احساس مخاطره، میزان مشارکت در بازار رمزارزها و پیامدهای مثبت و منفی آن

شاخص‌های برازش مدل:

$\chi^2 = 1/87$ مقبول $CFI = 0/94$ خوب $RMSEA = 0/05$ قابل قبول $SRMR = 0/06$ مطلوب

یافته‌های تحلیل مسیر در شکل ۲ نشان می‌دهد که پایگاه اقتصادی-اجتماعی تأثیرات چندگانه‌ای بر متغیرهای مرتبط با بازار رمزارزها دارد. از جمله مهم‌ترین یافته‌ها می‌توان به تأثیر منفی و معنادار پایگاه اقتصادی-اجتماعی بر احساس مخاطره اقتصادی ($\beta = -0/35$) و بر احساس مخاطره اجتماعی ($\beta = -0/17$) اشاره کرد. با این حال، این متغیر تأثیر معناداری بر احساس مخاطره سیاسی نداشت ($\beta = 0/06$). این نتایج حاکی از آن است که افراد با پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالاتر، احساس مخاطره کمتری در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی تجربه می‌کنند.

در بررسی تأثیرات مستقیم، مشخص شد که پایگاه اقتصادی-اجتماعی تأثیر منفی و معناداری بر میزان مشارکت در بازار رمزارزها دارد ($\beta = -0/22$). همچنین این متغیر به‌طور مستقیم منجر به کاهش پیامدهای منفی مشارکت در این بازار ($\beta = -0/16$) و افزایش پیامدهای مثبت آن ($\beta = 0/17$) می‌شود. این یافته‌ها نشان می‌دهد که افراد با موقعیت اقتصادی-اجتماعی بالا در ایران، هم کمتر در بازار رمزارزها مشارکت می‌کنند و هم در صورت مشارکت، نتایج مطلوب‌تری کسب می‌نمایند.

تحلیل مسیرهای غیرمستقیم حاکی از آن است که پایگاه اقتصادی-اجتماعی از دو مسیر مجزا بر کاهش مشارکت در بازار رمزارزها تأثیر می‌گذارد. نخست از طریق کاهش احساس مخاطره اقتصادی ($\beta = -0/35 \times 0/55 = -0/19$) و دوم از طریق کاهش احساس مخاطره اجتماعی ($\beta = -0/17 \times 0/30 = -0/05$). در مجموع، کل اثر غیرمستقیم این متغیر بر کاهش مشارکت در بازار رمزارزها $-0/24$ برآورد شد ($\beta = -0/19 - 0/05 = -0/24$). این نتایج مؤید آن است که بخش قابل توجهی از تأثیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی بر مشارکت در بازار رمزارزها از طریق کاهش احساس مخاطرات اقتصادی و اجتماعی اعمال می‌شود.

در سطح پیامدهای مشارکت، پایگاه اقتصادی-اجتماعی هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم تأثیرگذار است. از یک سو، این متغیر به‌طور مستقیم باعث کاهش پیامدهای منفی و افزایش پیامدهای مثبت می‌شود. از سوی دیگر، از مسیر

غیرمستقیم و از طریق کاهش مشارکت در بازار رمزارزها، مجدداً بر پیامدها تأثیر می‌گذارد. به‌طور مشخص، پایگاه اقتصادی-اجتماعی از طریق کاهش مشارکت، منجر به کاهش پیامدهای منفی ($\beta = -0.14 = -0.63 \times -0.22$) و افزایش پیامدهای مثبت ($\beta = -0.09 = -0.41 \times -0.22$) می‌شود.

علاوه بر این، تحلیل مسیرهای واسطه‌ای نشان داد که پایگاه اقتصادی-اجتماعی از طریق کاهش احساس مخاطرات اقتصادی و به تبع آن کاهش میزان مشارکت در بازار رمزارزها، بر پیامدهای آن تأثیر می‌گذارد. محاسبات نشان می‌دهد که پایگاه اقتصادی اجتماعی از طریق کاهش احساس مخاطره اقتصادی و سپس کاهش میزان مشارکت در بازار رمزارزها به میزان -0.12 موجب کاهش پیامدهای منفی ($\beta = -0.12 = -0.63 \times 0.55 \times -0.35$) و به میزان 0.08 موجب افزایش پیامدهای مثبت می‌شود ($\beta = 0.08 = -0.41 \times 0.55 \times -0.35$).

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بکارگیری نظریه جامعه مخاطره‌آمیز برای تحلیل گسترش معاملات و سرمایه‌گذاری رمزارزها در ایران انجام شد. نتایج پژوهش نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ای مثبت و معنادار بین ابعاد مختلف احساس مخاطره (اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) و میزان مشارکت در بازار رمزارزها است. در میان این ابعاد، متغیر "احساس مخاطره اقتصادی" از قدرت پیش‌بینی‌کنندگی بالایی در مدل رگرسیون برخوردار است که به نظر می‌رسد ناشی از شرایط ویژه اقتصادی کشور در سال‌های اخیر (از جمله تحریم‌های بین‌المللی، تورم بالا و ناکارآمدی نهادهای دولتی در مدیریت مسائل اقتصادی) باشد. این شرایط سبب شده است، ایرانیان نگرانی‌های اقتصادی فزاینده‌ای داشته و در نتیجه تمایل بیشتری نیز برای جستجوی راهکارهای مالی جایگزین، از جمله ورود به بازار رمزارزها، از خود نشان دهند.

مطابق با نتایج تحقیق، در کنار احساس مخاطره اقتصادی، "احساس مخاطره اجتماعی"، شامل فشارهای جمعی ناشی از تبلیغات و شایعات رسانه‌ها، ترس از عقب‌ماندن نسبت به گروه‌های مرجع و رقابت‌های اجتماعی، نیز تأثیر قابل توجهی بر میزان مشارکت در بازار رمزارزها دارد. این یافته با نظریه‌های رفتار گله‌ای و روانشناسی اجتماعی همخوانی دارد که مطابق آن افراد در شرایط عدم قطعیت، به فضای جمعی و رفتار گروهی پناه می‌برند تا اضطراب تصمیم‌گیری را کاهش دهند.

بر اساس نتایج پژوهش، تأثیر مخاطرات سیاسی کمتر از ابعاد اقتصادی و اجتماعی بوده، اما همچنان مثبت و معنادار است. این یافته نشان می‌دهد که عواملی چون بی‌ثباتی سیاسی، تحریم‌ها و تصمیمات کلان حکومتی نیز در شکل‌دهی به انگیزه ورود به بازارهای پرریسکی مانند رمزارزها نقش دارند.

در ارتباط با نقش رسانه‌های جمعی مجازی در گرایش ایرانیان به بازار رمزارزها، باید گفت؛ "بک" تأکید می‌کند که بسیاری از ریسک‌های مدرنیته متأخر "ریسک‌های برساخت شده" هستند، به این معنی که وجود آنها وابسته به ادراک و احساس افراد است (بک، ۲۰۰۹). رسانه‌های مجازی امروزه از طریق گزینش، تقویت و چارچوب‌بندی، به ریسک‌ها معنا می‌بخشند. الگوریتم‌های پاداش‌دهنده به هیجان، در پلتفرم‌هایی مانند تلگرام، یوتیوب و اینستاگرام، محتوایی را تقویت می‌کنند که بیشترین واکنش هیجانی را ایجاد کند. این محتوا عمدتاً دو قطب دارد: قطب طمع (نظیر رسیدن به ثروت یک‌شبه یا ظهور یک فرصت طلایی) و قطب ترس (نظیر هشدار سقوط قریب‌الوقوع قیمت، انتشار وسیع اخبار هک و سرقت کیف پول‌ها یا صرافی‌های رمزارز) این دوگانگی، یک اقتصاد مبتنی بر هیجان در بازار رمزارزها ایجاد می‌کند. مطابق با نظر بک (۲۰۰۹) در شرایطی که نهادهای سنتی (دولت، بانک‌ها) اعتبار خود را از دست داده‌اند، "خرده‌سیاست‌ها" و "متخصصان خودخوانده" ظهور می‌کنند. بر این اساس می‌توان گفت اینفلوئنسرها در این فضا، نقش "مشاوران و متخصصین سرمایه‌گذاری" را ایفا می‌کنند. این شرایط به وضوح نشان می‌دهد که چگونه اعتماد از نهادهای رسمی به چهره‌های رسانه‌ای منتقل شده و توسط آن‌ها ریسک عادی‌سازی می‌شود. به طوریکه ضرر و زیان‌ها به عنوان "هزینه ورود به بازی" و "تجربه لازم" بازتعریف می‌شوند به طوریکه ریسک‌پذیری نه تنها طبیعی، بلکه ضروری و هوشمندانه جلوه داده می‌شود.

یافته‌ی دیگر پژوهش حاضر نشان داد میان پایگاه اقتصادی-اجتماعی و میزان مشارکت در بازار رمزارزها رابطه‌ای منفی وجود دارد. منظور از «میزان مشارکت» در این پژوهش، مجموعه‌ای از شاخص‌ها از جمله نسبت سرمایه‌گذاری در رمزارزها به کل دارایی، تعداد معاملات روزانه، مدت‌زمان رصد قیمت‌ها در روز، میزان استفاده از امکانات صرافی‌های داخلی و خارجی، تشویق دیگران به ورود به بازار، عضویت در شبکه‌ها و گروه‌های رمزارزی، و میزان پیگیری اخبار و تحولات مرتبط با این حوزه بوده است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، هرچه پایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد بالاتر باشد، به دلیل برخورداری از فرصت سرمایه‌گذاری در حوزه‌هایی چون زمین، خودرو و ساختمان، انگیزه و تمایل کمتری برای حضور فعال در بازار رمزارزها دارند. در مقابل، افراد دارای پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین‌تر به دلیل محدودیت در دسترسی به گزینه‌های سرمایه‌گذاری مطمئن و احساس ناامنی مالی بیشتر، مشارکت گسترده‌تری در این بازار از خود نشان می‌دهند.

تحلیل مسیر انجام‌شده نیز این رابطه را تأیید کرد و نشان داد پایگاه اقتصادی-اجتماعی از طریق کاهش احساس مخاطرات اقتصادی و اجتماعی، به‌صورت غیرمستقیم نیز موجب کاهش مشارکت فعال در بازار رمزارزها می‌شود. در واقع، اقشار برخوردار با سطح اقتصادی-اجتماعی بالاتر، به‌واسطه‌ی برخورداری از منابع مالی، اطلاعاتی و حمایتی بیشتر، توانایی بالاتری در مدیریت و کنترل ریسک دارند و در نتیجه کمتر به سمت بازارهای پرریسک حرکت می‌کنند.

این یافته در چارچوب نظریه‌ی «جامعه‌ی ریسک» اولریش بک (۱۹۹۲) قابل تفسیر است؛ بدین معنا که ریسک‌ها در جوامع مدرن به‌صورت نابرابر میان طبقات اجتماعی توزیع می‌شوند. اقشار مرفه‌تر با دسترسی به ابزارهای متنوع سرمایه‌گذاری و فرصت‌های یادگیری فناورانه، نه‌تنها کمتر در معرض تهدیدهای اقتصادی بازار رمزارزها قرار می‌گیرند، بلکه در صورت حضور، نقش آنان بیشتر در جهت تنوع‌بخشی به سبد دارایی و کسب تجربه فناورانه است تا تلاش برای جبران ناامنی مالی. در مقابل، برای گروه‌های کم‌درآمد، بازار رمزارزها اغلب به‌عنوان فرصتی برای جبران کاستی‌های اقتصادی تلقی می‌شود، امری که خود می‌تواند بازتابی از نابرابری ساختاری و توزیع ناعادلانه‌ی ریسک در جامعه باشد.

نتایج تحلیل مسیر نشان داد که مشارکت بالاتر در بازار رمزارزها با افزایش پیامدهای منفی اقتصادی، روانی و اجتماعی همراه است. سرمایه‌گذاران با سطح مشارکت بالا، بخش قابل‌توجهی از دارایی خود را وارد بازاری می‌کنند که بر نوسان، عدم قطعیت و پیش‌بینی‌ناپذیری استوار است. هنگامی که نسبت سرمایه‌گذاری رمزارزی به کل دارایی زندگی افزایش می‌یابد، هر تغییر قیمتی به‌صورت مستقیم به‌عنوان تهدیدی علیه معیشت ادراک می‌شود و در نتیجه، تصمیم‌گیری‌های عقلانی جای خود را به واکنش‌های هیجانی می‌دهد. افزون بر این، رصد مداوم قیمت‌ها، حضور مستمر در شبکه‌های خبری و رسانه‌های مالی، و مقایسه‌ی دائمی با دیگران نوعی فشار شناختی و هیجانی مزمن ایجاد می‌کند که با ایجاد آگاهی بیش‌ازحد نسبت به خطر، خود به منبع احساس مخاطره تبدیل می‌شود و رفتارهای گله‌ای و تصمیمات عجولانه را تقویت می‌کند.

در مجموع، می‌توان گفت مشارکت زیاد در بازار رمزارزها، به‌ویژه در میان گروه‌هایی که با انگیزه‌ی جبران ناامنی اقتصادی وارد این حوزه می‌شوند، نه‌تنها به بهبود وضعیت مالی منجر نمی‌شود، بلکه با افزایش مخاطرات روانی، شناختی و اجتماعی، خود به بازتولید احساس ناامنی و اضطراب اقتصادی می‌انجامد.

یافته‌ی دیگر این پژوهش نشان می‌دهد که استانداردزدایی از کار، یکی از عوامل کلیدی گرایش ایرانیان به بازار رمزارزهاست. این یافته مستقیماً با مفهوم «استاندارزدایی از کار» در نظریه‌ی جامعه‌ی مخاطره‌آمیز اولریش بک هم‌خوان است. به‌زعم بک (۲۰۰۹)، در مدرنیته‌ی دوم، ساختارهای کلاسیک اشتغال که بر پایه‌ی شغل پایدار، قرارداد دائمی، حمایت بیمه‌ای و رفاه اجتماعی شکل گرفته بودند به تدریج فرو می‌ریزند و جای خود را به اشکال جدیدی از کار می‌دهند که منعطف، فردمحور، نامطمئن و بدون حمایت نهادی‌اند. یافته‌های این پژوهش دقیقاً چنین وضعیتی را در میان ایرانیان فعال در بازار رمزارزها بازتاب می‌دهد. بین فروپاشی ساختارهای بوروکراتیک کار و بی‌ثباتی معیشتی و فعالیت در حوزه‌ی رمزارز راهی برای بازسازی استقلال مالی و رهایی از انقیاد نهادهای ناکارآمد اشتغال رسمی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود داشت.

افراد در جست‌وجوی معنا و استقلال، به فعالیت‌هایی مانند ترید رمزارز روی می‌آورند که در ظاهر آزادانه‌اند اما در عمل با ناامنی و اضطراب دائمی همراهند.

یافته‌های این تحقیق از یک‌سو با دیدگاه فریدمانسکی (۲۰۲۱) سازگار است و از سوی دیگر با تحلیل‌های هایز (۲۰۱۹) و جونز (۲۰۱۸) نسبت هم‌پوشی نظری دارد. فریدمانسکی رمزارزها را در قالب نظریه نظام جهانی والرش‌تاین، نه ابزاری برای دموکراتیزه‌کردن سرمایه، بلکه شکلی از سرمایه‌داری متأخر می‌داند که موجب تمرکز بیشتر سرمایه و تداوم نابرابری جهانی می‌شود. یافته‌های این پژوهش نیز، به‌طور ضمنی با این دیدگاه هم‌راستا است؛ زیرا نتایج نشان دادند پایگاه اقتصادی-اجتماعی متوسط با مشارکت بیشتر و پیامدهای منفی‌تر همراه است، در حالی که گروه‌های برخوردار، هم کمتر وارد این بازار می‌شوند و هم در صورت مشارکت، توانایی بیشتری در کنترل ریسک دارند. بنابراین، هرچند در ظاهر رمزارزها فرصت برابری اقتصادی می‌آفرینند، در عمل بازتولیدکننده شکاف طبقاتی و «توزیع نابرابر مخاطره» هستند.

دیدگاه هایز (۲۰۱۹) نیز که رمزارزها را «نهاد اجتماعی سازگار با نیازهای جامعه جهانی» می‌داند، با بخش دیگری از یافته‌ها هم‌راستا است. نتایج نشان دادند افراد رمزارز را نه صرفاً ابزار مالی بلکه راهی برای بازیابی کنترل و پاسخ به بی‌ثباتی‌های جهانی و ملی می‌بینند. از این منظر، رمزارزها می‌توانند سازوکار نوینی از «انطباق ساختاری» در جامعه مدرن متأخر باشند، مشابه آنچه هایز از منظر کارکردگرایی مطرح می‌کند.

ایود (۲۰۱۹) با استفاده از نظریه مبادله، گرایش به رمزارز را بر مبنای منطق پاداش و محرک توضیح می‌دهد و نشان می‌دهد که افراد در پی کسب سود سریع و گریز از کنترل‌های نهادی هستند. این تحلیل با یافته‌های پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد؛ زیرا احساس مخاطره اقتصادی (ترس از کاهش ارزش پول و بی‌ثباتی اقتصادی) و اجتماعی (رقابت، ترس از عقب‌ماندن از دیگران) دو عامل اصلی ورود به بازار رمزارزها شناسایی شدند.

در مقایسه با تحقیقات مشابه در دیگر کشورها، چند تفاوت کلیدی در یافته‌های این پژوهش به چشم می‌خورد. در حالی که مطالعات انجام شده در کشورهای توسعه‌یافته عموماً بر جنبه‌های تکنولوژیک و سوداگرانه بازار رمزارزها تأکید دارند، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در ایران، انگیزه‌های معیشتی و بقای اقتصادی نقش بسیار پررنگ‌تری ایفا می‌کنند. بر اساس گزارش چین آنالیزس (۲۰۲۳) بیشتر سرمایه‌گذاران در کشورهای توسعه یافته و طبقات مرفه، رمزارزها را به عنوان بخشی از استراتژی تنوع‌بخشی به سبد سرمایه‌گذاری خود انتخاب می‌کنند. در حالی که در مطالعه حاضر، برای بسیاری از ایرانیان (به ویژه طبقات متوسط و پایین)، رمزارزها نه یک انتخاب، بلکه تنها گزینه موجود برای حفظ ارزش دارایی‌ها یا ارتقاء جایگاه طبقاتی تلقی شده است. این تفاوت بنیادی نشان‌دهنده آن است که چگونه بسترهای اقتصادی-اجتماعی مختلف می‌توانند معنا و کارکرد یک پدیده مالی یکسان را به کلی دگرگون کنند.

در ایران ضعف نهادهای مالی متمرکز با عوامل سیاسی (تحریم‌ها) و اقتصادی (تورم ساختاری) ترکیب شده و موجب شده است افراد حتی برای نیازهای اولیه مالی به راه‌حل‌های فردی متوسل شوند. این یافته‌ها اهمیت توجه همزمان به اصلاح نهادهای رسمی و ارتقای سواد مالی شهروندان را نشان می‌دهد. بدون اصلاحات ساختاری، راه‌حل‌های فردی به تشدید مخاطرات میانجامند. بنابراین پیشنهاد می‌شود تحقیقات آینده به بررسی تطبیقی این پدیده در سایر کشورهای با شرایط مشابه بپردازند. همچنین مطالعه نقش متغیرهای واسطه‌ای مانند سواد مالی و دسترسی به اطلاعات می‌تواند به درک کامل‌تری از این پدیده بی‌انجامد.

از منظر سیاست‌گذاری نیز یافته‌های این پژوهش بر ضرورت ایجاد ثبات اقتصادی، بهبود نظام مالی سنتی و وضع مقررات شفاف برای بازار رمزارزها تأکید دارد. این پژوهش نشان می‌دهد که بدون توجه به ریشه‌های ساختاری گرایش به رمزارزها، هرگونه سیاست‌گذاری در این حوزه ناکام خواهد ماند.

با توجه به رشد سریع این بازار، ضرورت تدوین قوانین شفاف برای حمایت از سرمایه‌گذاران و جلوگیری از کلاهبرداری احساس می‌شود. برای این منظور طراحی برنامه‌های آموزشی برای افزایش سواد مالی شهروندان و آگاهی از ریسک‌های بازار رمزارزها ضروری است. در کنار مورد مذکور، مقابله با تورم و بهبود ثبات اقتصادی می‌تواند از گرایش هیجانی به بازارهای

پریسک جلوگیری کند. توجه به نابرابری‌های اقتصادی و بهبود فرصت‌های شغلی نیز می‌تواند از احساس ناامیدی و گرایش به سرمایه‌گذاری‌های پریسک بکاهد.

نظارت بر تبلیغات همراه‌کننده در شبکه‌های اجتماعی و افزایش آگاهی عمومی درباره ریسک‌های رمزارزها ضروری است. در این راستا راه‌اندازی مراکز مشاوره مالی و ایجاد نهادهای عمومی برای ارائه مشاوره بی‌طرفانه درباره سرمایه‌گذاری‌های پریسک و توسعه فناوری‌های مالی امن با طراحی سیستم‌های پرداخت دیجیتال بومی با پشتوانه دولتی که همزمان هم نیازهای مالی مردم را پاسخ دهد و هم امنیت بیشتری داشته باشد پیشنهاد می‌شود. تشکیل نهادهای پژوهشی برای پیش‌مستمر تحولات بازارهای مالی غیررسمی و پیش‌بینی بحران‌های احتمالی از دیگر پیشنهادات کاربردی و عملیاتی این پژوهش است.

به طور کلی با توجه به یافته‌های این پژوهش و محدودیت‌های آن، چند مسیر مهم برای تحقیقات آینده پیشنهاد می‌شود. نخست، انجام مطالعات طولی برای بررسی تحولات این پدیده در گذر زمان ضروری به نظر می‌رسد. از آنجا که بازار رمزارزها بسیار پویا و پرنوسان است، تنها مطالعات طولی می‌توانند تصویر دقیقی از تحولات آن ارائه دهند. دوم، بررسی تطبیقی این پدیده در میان گروه‌های مختلف اجتماعی و جوامع مختلف می‌تواند به درک بهتر تفاوت‌های موجود در تجربه مشارکت در این بازار کمک کند. سوم، مطالعه نقش واسطه‌گران اجتماعی (مانند گروه‌های تلگرامی، اینفلوئنسرها و مشاوران مالی غیررسمی) در شکل‌دهی به رفتارهای مالی افراد می‌تواند ابعاد جدیدی از این پدیده را آشکار سازد. همچنین تحقیقات آینده می‌توانند به بررسی تأثیرات کلان‌تر این پدیده بر نظام مالی کشور و روابط اقتصادی بین‌المللی ایران بپردازند. در نهایت برخی محدودیت‌های انجام این پژوهش نیز عبارت بودند از محدودیت در دسترسی به داده‌های رسمی درباره حجم معاملات رمزارزها در ایران و پویایی شدید بازار رمزارزها که باعث می‌شود تغییرات سریع بازار رمزارزها بر تعمیم‌پذیری نتایج تأثیر بگذارد.

منابع

- ارز دیجیتال (۱۴۰۳)، گزارش سالانه ارز دیجیتال در سال ۱۴۰۳، <https://arzdigital.com>
- اقتصاد آنلاین (۱۴۰۴)، گزارش هک سایت نوبیتکس، <https://www.eghtesadonline.com>
- بک، ا. (۱۳۸۸)، *جامعه در مخاطره جهانی*، ترجمه محمد مهدی زاده، تهران، نشر کویر، چاپ اول.
- بک، ا. (۱۴۰۰)، *جامعه‌شناسی کار (دنیای شگفت انگیز کار در مدرنیته بازاندیشانه)*، تهران، نشر جامعه شناسان، چاپ دوم.
- بک، ا. (۱۴۰۲)، *جامعه خطر (به سوی مدرنیته‌ای نوین)*، ترجمه مهدی فرهنگ‌نژاد، تهران، نشر ثالث، چاپ سوم.
- بک، ا. گیدنز، آ. و لش، ا. (۱۴۰۲)، *مدرنیته بازاندیشانه*، ترجمه سلمان صادقی زاده، تهران، نشر ثالث، چاپ اول.
- پلیس فتا (۱۴۰۳) *به نام سود به کام کلاهبرداران*، <https://csirc.fata.gov.ir>
- تیموری، س. (۱۴۰۱)، *جایگاه ارزهای دیجیتال در تجارت بین‌الملل و تأثیرش بر امنیت ملی کشور*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران.
- خبرگزاری مهر (۱۴۰۳)، *۳۰ هزار شاکی پرونده رمزارز در دادسرای تهران*، <https://www.mehrnews.com>
- خدیبور، آ. ذولفقاری، پ. و عباسی، ف. (۱۴۰۱)، بررسی تأثیر ریسک درک شده توسط کاربران شبکه‌های اجتماعی بر قیمت بیت‌کوین با استفاده از تکنیک تحلیل احساسات و شبکه عصبی، *فصلنامه پژوهش‌های مدیریت در ایران*، دوره ۲۶، شماره ۲، ص ۴۱-۱۸.
- رستمی باروئی، ر. (۱۴۰۰) *تبیین سیاست‌های عمومی دولت ایران در حوزه رمزارزها*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه صنعتی شریف، دانشکده مدیریت و اقتصاد، تهران.
- صدرآبادی، م. (۱۳۹۹)، تحلیل فقهی حقوقی مبادله ارزهای قابل استخراج در اقتصاد اسلامی، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، دوره ۲۰، شماره ۷۷، (پیاپی ۷۷)، ص ۲۱۰-۱۸۳.
- شرکت توسعه مدیریت ایلیا (۱۴۰۴)، *رمزارزها و فرصت تاریخی ایران*، <https://ilia.co>

صرافی نوبیتکس (۱۴۰۳)، گزارش سالانه فعالیت‌های رمزارزی در ایران، <https://nobitex.ir>
گلشنی، ب. (۱۴۰۰)، بررسی هزینه و فایده اجتماعی استخراج رمزارزها در اقتصاد ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده مدیریت و اقتصاد، تهران.
مرکز آمار ایران (۱۴۰۳)، گزارش اقتصادی سالانه، [/https://amar.org.ir/](https://amar.org.ir/)



References

- ArzDigital. (1403). *Arzdigital annual report for 1403* (2024–2025). <https://arzdigital.com/>[In Persian].
- Auer, R. (2021). *Distrust or speculation? The socioeconomic drivers of US cryptocurrency investments*. Bank for International Settlements press.
- Beck, U. (1986). *Risk Society: Towards a new modernity*. London: Sage.
- Beck, U. (1992). *Risk Society: Towards a new modernity* (2nd ed.). London: Sage.
- Beck, U. (1999). *World Risk Society*. Cambridge: Polity Press.
- Beck, U. (2002). *The Cosmopolitan Society and Its Enemies*. *Theory, Culture & Society*, 19 (1-2), 17-44.
- Beck, U. (2005). *Power in the Global Age*. Cambridge: Polity Press.
- Beck, U. (2006). *Cosmopolitan Vision*. Cambridge: Polity Press.
- Beck, U. (2007). Beyond Class and Nation: Reframing Social Inequalities in a Globalizing World. *British Journal of Sociology*, 58(4), 679-705.
- Beck, U. (2008). *World at Risk*. Cambridge: Polity Press.
- Beck, U. (2009). *World at Risk* (Updated Edition). Cambridge: Polity Press.
- Beck, U. (2013). *German Europe*. Cambridge: Polity Press.
- Beck, U. (1388). *World in global peril* (M. Mahdizadeh, Trans.). Tehran: Nashr-e Kaveer. [In Persian].
- Beck, U. (1400). *Sociology of work (The amazing world of work in reflexive modernity)*. Tehran: Nashr-e Jame'e-Shenasan. [In Persian].
- Beck, U. (1402). *Risk society (Towards a new modernity)* (M. Farhamandnejad, Trans.). Tehran: Nashr-e Saless. [In Persian].
- Beck, U., Giddens, A., & Lash, S. (1402). *Reflexive modernization* (S. Sadeghi-Zadeh, Trans.). Tehran: Nashr-e Saless. [In Persian].
- Beck, U., & Gernsheim, E. (2002). *Individualization*. London: Sage.
- Beck, U., Giddens, A., & Lash, S. (1994). *Reflexive Modernization*. Cambridge: Polity Press.
- Beck, U., & Willms, J. (2004). *Conversations with Ulrich Beck*. Cambridge: Polity Press.
- Chainalysis. (2023). *The 2023 Global Crypto Adoption Index*. <https://www.chainalysis.com/>
- Eghtesad Online. (1404). Report on the hacking of the Nobitex website. <https://www.eghtesadonline.com/> [In Persian].
- Eliud, O. (2019). *The Ontological Sociology of Cryptocurrency: A Theoretical Exploration of Bitcoin*. Doctoral Dissertation of Sociology, University of Central Florida.
- FATA Cyber Police. (1403). In the name of profit, to the benefit of fraudsters. <https://csirc.fata.gov.ir> [In Persian].
- Fridmanski, E. (2021). *Crypto-Capital: The Political Economy of Cryptocurrencies*. Doctoral Dissertation of Sociology, University of Notre Dame.
- Golsheni, B. (1400). A cost-benefit analysis of cryptocurrency mining in Iran's economy [Master's thesis, Tarbiat Modares University, Faculty of Management and Economics]. Tehran. [In Persian].
- Hayes, A. (2019). The Socio-Technological Lives of Bitcoin. *Theory, Culture & Society*, 36(4), 49-72.
- Iliia Management Development Company. (1404). Cryptocurrencies and Iran's historical opportunity. <https://ilia.co/> [In Persian].
- IMF. (2024). *Economic Sanctions and Cryptocurrency Adoption: Case Studies from Iran and Venezuela*. IMF Country Report No. 24/123.
- Khadivor, A., Zolfaqari, P., & Abbasi, F. (1401). Investigating the effect of perceived risk by social network users on Bitcoin price using sentiment analysis and neural network techniques. *Iranian Journal of Management Research*, 26(2), 18–41. [In Persian].
- Kinney, A. (2021). Embedding into an Emerging Money System: The Case of Bitcoin. *Sociological Focus*, 54(1), 77-92.

- Nakamoto, S. (2008). *Bitcoin: A Peer-to-Peer Electronic Cash System*. <https://bitcoin.org/bitcoin>.
- NBER. (2022). *Risk Transfer in Cryptocurrency Markets*. Working Paper No. 30123.
- Nobitex Exchange. (1403). *Annual report on cryptocurrency activities in Iran*. <https://nobitex.ir/> [In Persian].
- Rostami-Barou'i, R. (1400). *Explaining Iran's public policies in the field of cryptocurrencies* [Master's thesis, Sharif University of Technology, Faculty of Management and Economics]. Tehran. [In Persian].
- Sadrabadi, M. (1399). Jurisprudential and legal analysis of the exchange of mineable currencies in Islamic economy. *Islamic Economics Quarterly*, 20(77), 183–210. [In Persian].
- Statistical Center of Iran. (1403). *Annual economic report*. <https://amar.org.ir/> [In Persian].
- Teimouri, S. (1401). *The position of digital currencies in international trade and their impact on national security of the country* [Master's thesis, Allameh Tabataba'i University, Faculty of Law and Political Science]. Tehran. [In Persian].
- Mehr News Agency. (1403). **Thirty thousand plaintiffs in the cryptocurrency case at Tehran prosecutor's office**. <https://www.mehrnews.com/> [In Persian].
- Zuboff, S. (2019). *The Age of Surveillance Capitalism*. New York: PublicAffairs.



The Implications of Ulrich Beck's Risk Society Theory on the Expansion of Cryptocurrency Investment and Transactions in Iran

Abdolhossein Kalantari¹  | Moez Khadem Hosseini²  | Seyed Saeed Hosseini^{*3} 

1. Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: abkalantari@ut.ac.ir
2. Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: mhoseiny@ut.ac.ir
3. *Corresponding Author, PhD Student, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: hoseiniss@ut.ac.ir

ARTICLE INFO

ABSTRACT

Article type:
Research Paper

Article History:

Received: 27 November 2025
Accepted: 3 August 2025
Published: 8 Desember 2025

Keywords:

Risk Society, Cryptocurrency, Individualization, Globalization of Risks, Nation-States, Risk Transfer

Introduction: Employing a sociological approach based on Ulrich Beck's 'Risk Society' theory, this study investigates the structural factors affecting the growing tendency of Iranians towards the cryptocurrency market. The main objective of the study is to identify how social, economic, and political conditions influence individuals' decisions to enter this market and to explain the role of cryptocurrencies as an individual strategy for coping with structural risks and uncertainties in Iranian society.

Methodology: The present study was conducted using a survey method and an online questionnaire. Sampling was done through stratified random sampling from 1650 individuals in 12 provinces of the country, based on population distribution and level of participation in the cryptocurrency market. The collected data were analyzed using descriptive statistics (including frequency distribution tables, mean, and standard deviation) and inferential statistics (including Pearson correlation coefficient, multiple regression, and path analysis).

Results: Based on Pearson correlation coefficients, significant and direct relationships were observed between perceived economic, social, and political risks and the level of participation in the cryptocurrency market. In the multiple regression model, perceived economic risk with a beta coefficient of 0.55 was identified as the strongest predictor of market participation, followed by social risk ($\beta = 0.30$) and political risk ($\beta = 0.15$). Furthermore, path analysis results revealed that socioeconomic status and perceived risk, in addition to their direct effects on the outcomes of market participation, also indirectly influence both positive and negative consequences of cryptocurrency market activity through their impact on the level of participation.

Conclusions: Given Iran's socio-economic conditions - including job dissatisfaction, high inflation, international sanctions, and distrust in state financial institutions - cryptocurrencies have emerged as an individual strategy for managing structural risks, yet in practice have themselves become a source of new risks. Therefore, effective policymaking in this area requires simultaneous attention to various aspects including transparent market regulation, reducing structural inequalities, restoring institutional trust, and enhancing financial literacy.

Cite this article: Kalantari, A., Khadem Hosseini, M., & Hosseini, S. S. (2024). The Implications of Ulrich Beck's Risk Society for the Expansion of Cryptocurrency Investment and Trading in Iran. *Journal of Economic & Developmental Sociology*, 14(2), 63-83.



© The Author(s). Publisher: University of Tabriz Press.



[10.22034/jeds.2025.68266.1884](https://doi.org/10.22034/jeds.2025.68266.1884)